

## تیر پیشنهادی: آثار مخرب تورم بر صنعت

### آثار مخرب تورم بر صنعت

یکی از پدیده های کهنه اما ماندگار در طول شش دهه اخیر که صنعت کشور همواره آن را تجربه نموده است تورم می باشد. این پدیده (در صورت تثبیت نرخ ارز) برای تولیدکنندگان خارجی به عنوان سوبسید جهت حضور در بازار داخلی و برای صنعتگران داخلی یک مالیات برای حضور در بازار جهانی محسوب می گردد. نتیجه نهایی آن برای بخش صنعت کشور بالارفتن هزینه رقابت با کالاهای خارجی و بالطبع تولید با ظرفیت پایین است. ادامه فعالیت صنعتی با ظرفیت پایین یعنی بالارفتن هزینه ثابت، کاهش بهره‌وری و در نهایت ایجاد دور باطل کساد و رکود در این بخش است. از سال ۱۳۳۰ تا کنون (۶۲ سال) قریب به ۴۰ سال صنایع کشور آثار و معضلات نرخ تورم دو رقمی (بالای ۱۰ درصد) را تجربه کرده‌اند و به مدت ۱۷ سال هم با آثار مخرب تورم بالای ۲۰ درصد مواجه بوده‌اند. در سال های اخیر نرخ تورم از رقم ۳۰ درصد فراتر رفته است اگرچه هنوز به رقم نرخ تورم سال های مذکور نرسیده ولی صنایع کشور در طول چندین دوره آثار مخرب تورم بالا و غیر متعارف را تجربه کرده‌اند. این در حالی است که دولت همچنان یارانه بالایی به اقتصاد تزریق می کند و آزادسازی قیمت کالاهای شرکت های دولتی بطور کامل اجرا نشده است. از آنجائیکه رسیدن به نرخ تورم هم سطح با کشورهای منطقه (۵ درصد) در کوتاه مدت تحقق نمی یابد بخش صنعت به ویژه صنعت کارخانه‌ای همواره با معضل تاریخی تورم دو رقمی در چند سال آتی نیز مواجه خواهد بود.

مهمترین آثار مخرب تورم غیر متعارف بر بخش صنعت که تا کنون تجربه شده است عبارت از:

- ناکارآمد نمودن ابزارهای تعرفه‌ای و نظام تعرفه: تورم غیر متعارف مشوق واردات رسمی و قاچاق کالا به بازار داخلی و بالارفتن هزینه رقابت صنایع داخلی در مقایسه با کالاهای خارجی شده است.

- کاهش قدرت خرید قشر متوسط مصرف‌کنندگان محصولات صنایع خانگی و لوکس. این مسئله باعث کاهش تقاضای خانوارها و افزایش موجودی انبار شرکت‌ها و در نهایت نیاز صنایع به سرمایه در گردش به عنوان یک مشکل و عادت همیشگی از سوی فعالین بخش صنعت مطرح می‌شود.
- فراهم کردن زمینه دخالت دستوری دولت در قیمت گذاری بسیاری از بخش‌های صنعتی : از جمله تعیین دستوری قیمت‌های ریالی کالاهای مصرفی نهایی و افزایش دستوری دستمزدها در بخش کارگری. این اقدامات پیوسته و مستمر سالانه دولت به نوعی امنیت خاطر تولیدکنندگان صنعتی را کاهش داده‌است.
- کاهش قدرت مالی کارآفرینان صنعتی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید. از سال ۱۳۷۰ تا کنون سهم سرمایه‌گذاری از تولید کشور از ۳۰.۳ درصد به ۵.۵ در سال ۱۳۸۸ (قبل از تشدید تحریم‌ها و اجرای فاز اول قانون هدفمندی) رسید. رقم اخیر در سال جاری حتی کمتر از ۵ درصد پیش‌بینی می‌شود.
- ایجاد اختلال در توزیع مواد اولیه صنعتی: تورم نامتعارف موجب نا کارآمدی نظام توزیع مواد اولیه صنعتی در کشور شده است. به دلیل انتظارات تورمی در اقتصاد ایران که با کوچکترین نگرانی تشدید می‌شود زمینه را برای توسعه کسب و کارهای سودجویانه در حوزه توزیع فراهم کرده‌است. براساس گزارش فضای کسب و کار مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۹۱، سومین مشکل صنعت کشور را نوسان در دسترسی به مواد اولیه صنعتی اعلام نموده‌است.
- کاهش انگیزه صنعتگران برای دسترسی به بازارهای جهانی : تورم سال‌های اخیر هزینه‌های تولید یک واحد کالاهای ایرانی را در مقایسه با هزینه رقبای خارجی منطقه افزایش داده‌است و به جهت اتخاذ سیاست ارزی‌های واردات محور، عملاً سهم کمی از تولیدات داخلی کارخانه‌ای به صادرات اختصاص یافته‌است. از سال ۱۳۷۵ تا کنون در هیچ یک از سال‌ها سهم صادرات از تولیدات صنایع کارخانه‌ای از ۱۰ درصد فراتر نرفته‌است. آنچه مشهود است یکی از اولویت‌های اساسی دولت جهت سرعت بخشی به روند پیشرفت صنعت ساخت کشور، ارایه یکسری اقدامات و سیاست‌های منسجم برای کاهش آثار مخرب تورم‌های غیر متعارف فعلی و آتی بر بخش صنایع کارخانه ای است.

از جمله سیاست‌ها و اقدامات پیشنهادی شامل:

- ✓ توسعه شبکه توزیع مواد اولیه صنعتی و نظام مند نمودن شبکه توزیع مواد اولیه مورد نیاز صنایع به ویژه صنایع کارخانه‌ای کوچک و متوسط
- ✓ پذیرش هدفگذاری تورم بطور رسمی توسط بانک مرکزی و شفافیت در سیاست های بانک مرکزی

✓ توسعه فضای رقابتی از طریق شفافیت و نظارت بیشتر بر بخش‌های شبه‌دولتی نظیر بنیادهای مختلف اقتصادی بنیاد تعاون ارتش و بنیاد تعاون رفاه و سایر بنیادهای موجود.

تایید تهیه کننده:	تایید مدیر ذیربط:	تایید حوزه ریاست:	تایید رییس موسسه:
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>